

آموزه مسئولیت حمایت در رویه شورای حقوق بشر: چالش‌های حقوقی با تأکید بر بحران حقوق بشر در کره شمالی

سید فضل‌الله موسوی^۱

علیرضا رضاخانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۵/۲۸

چکیده

آموزه مسئولیت حمایت، به عنوان هنجاری نوظهور در حقوق بین‌الملل، دولت‌ها را به حمایت از مردم خود در برابر جنایات بین‌المللی ملزم می‌کند و جامعه جهانی را در صورت ناتوانی، شکست یا بی‌میلی دولت‌ها به مداخله موظف می‌سازد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و تمرکز بر مطالعه موردی کره شمالی، نقش شورای حقوق بشر سازمان ملل را در اجرای این آموزه بررسی می‌کند. پرسش اصلی این است که شورا چگونه می‌تواند مسئولیت حمایت را عملیاتی کند و چه چالش‌هایی پیش روی دارد؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که شورا از طریق نظارت و هشدار زودهنگام (مانند بررسی دوره‌ای جهانی) در پیشگیری، ارائه اطلاعات دقیق (مانند گزارش‌های کمیسیون‌های تحقیق) در واکنش و نظارت حقوق بشری بر عدالت انتقالی در بازسازی، نقش مؤثری ایفا می‌کند. شورای حقوق بشر در قطعنامه‌های خود بر مسئولیت حمایت ابتدایی تأکید بیشتری دارد و این رویه مستمر می‌تواند به عرفی ساختن این هنجار کمک کند. مطالعه موردی کره شمالی حاکی از توانایی شورای حقوق بشر در مستندسازی دقیق نقض گسترده حقوق بشر و ارائه توصیه‌های متناسب است اما در بحران‌های بشردوستانه جدی، توصیه‌ها به دلیل فقدان ضمانت اجرایی و وابستگی به اراده شورای امنیت و دولت‌ها به اقدامات عملی کافی منجر نشده‌اند. کارآیی شورا به دلیل محدودیت صلاحیت، ماهیت توصیه‌ای قطعنامه‌ها و رویکردهای سیاسی و گزینشی قطعنامه‌های مرتبط با مسئولیت حمایت (مانند میانمار و فلسطین و نوار غزه) با چالش مواجه است. پیشنهاد می‌شود شورا با تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و سازکارهای موازی پاسخگویی (مانند ترغیب به اعمال صلاحیت جهانی یا تحریم‌های هدفمند) و ابداع یک شاخص جهانی نقض حقوق بشر، از گزینشگری سیاسی و وابستگی فاصله گرفته و مشروعیت خود را تقویت کند تا شکاف اجرایی را کاهش دهد.

واژگان کلیدی

مسئولیت حمایت، شورای حقوق بشر، حقوق بشر، اصل پیشگیری، اصل واکنش، اصل بازسازی، کره شمالی.

۱. استاد گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

حقوق بشر، یک دگرگونی اساسی در نظم حقوق بین‌الملل ایجاد کرد؛ این دگرگونی، انتقال روابط میان دولت و شهروندان به عرصه بین‌المللی و اعطای نقش کلیدی به افراد را به دنبال داشت. حقوق بشر، حقوق بین‌الملل را از لحاظ دامنه و محتوا گسترش داد و روابطی که منحصرأ تحت صلاحیت دولت‌ها بود، جنبه بین‌المللی یافت؛ این تحول در حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری منعکس است (Mazzesch, 2021, p.20). تعهدات حقوق بشری دولت‌ها، تعهدی در برابر کل جامعه جهانی است؛ در اینجا دولت‌ها پذیرای تعهداتی می‌شوند بی‌آنکه نفعی مستقیم به ایشان تعلق بگیرد (زمانی و اسفندیاری، ۱۳۹۶، ص. ۹). تعهدات حقوق بشری، مصداقی از «تعهدات عام‌الشمول»^۱ محسوب هستند؛ مجموعه تعهداتی که تمامی دولت‌ها در ارتباط با آن‌ها منفعت حقوقی دارند و نقض چنین تعهداتی توسط یک دولت، به سایر دولت‌ها حق اقدام متقابل می‌دهد (ICJ, 1970, para.33). اگر این نقض، گسترده و شامل حقوق اساسی بشر^۲ (همچون حق حیات، مصونیت از شکنجه و رعایت کرامت انسانی) باشد و به سطح جنایت علیه بشریت برسد، نگرانی جامعه جهانی فزآینده خواهد بود.

پدیده نقض گسترده حقوق بشر توسط دولت‌ها و گروه‌ها، سابقه دیرینه دارد؛ دولت‌ها برپایه اصول عدم مداخله و حاکمیت دولت‌ها، هرگونه مداخله جامعه بین‌المللی را برنمی‌تافتند و اینگونه بود که این ماحصل عصر وستفالی، دستاویز ناقضان حقوق بشر می‌شد. در مقابل، مفهومی به نام «مداخله بشردوستانه»^۳ با هدف حمایت از مردمان تحت ستم، بازتاب بسیاری در دوران معاصر پیدا کرد که برخی کشورها با استناد به آن علیه تمامیت ارضی کشورهای دیگر به زور متوسل می‌شدند. این اقدامات نظامی، یکجانبه بود و به دلیل فقدان مبنای حقوقی و محدودیت توسل به زور در موازین منشور ملل متحد (دفاع مشروع و نظام امنیت جمعی)، مقبول جامعه جهانی نبود و مشروعیت آن زیر سؤال قرار داشت. از سویی دیگر نهادهای بین‌المللی و سازکارهای قانونی موجود نیز در راستای تحقق اهداف متعالی منشور ملل متحد در زمینه حقوق بشر و مقابله با نقض‌های گسترده آن، ناکام بودند؛ رویدادهایی همچون کشتارهای جمعی رژیم خمرهای سرخ در کامبوج (۱۹۷۵-۱۹۷۹)، نسل‌کشی سربرنیتسا (۱۹۹۳) و نسل‌کشی روآندا (۱۹۹۴) همگی نشانگر قساوت ددمنشانه انسانی علیه جمعیت‌های غیرنظامی در عصر حاضر بودند و شاهدی بر لزوم بازنگری در حکمرانی بین‌المللی و نظام حقوق بین‌الملل بشر شدند. مداخله بشردوستانه ناتو در جریان بحران کوزوو (۱۹۹۹) هم انتقادات زیادی به دلیل عدم صدور مجوز از شورای امنیت به دنبال داشت.

در نتیجه این رویدادهای مهم، ابداع آموزه «مسئولیت حمایت»^۴ اتفاق افتاد که نسخه تکامل یافته مداخله بشردوستانه تلقی می‌شود. در سال ۲۰۰۱ «کمیسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت دولت»^۵ (وابسته به پارلمان کانادا) در گزارشی با عنوان

1. Erga Omnes

۲. وقتی از اساسی بودن برخی از حق‌های بشری می‌گوییم، مقصود وجود برتری ماهوی و شکلی نیست؛ معیار اساسی بودن این است که مطابق برخی اسناد بین‌المللی همچون ماده چهارم میثاق حقوق مدنی و سیاسی، در وضعیت فوق‌العاده و تهدید حیاتی ملت، امکان تعلیق موقت برخی از این حقوق با رعایت شرایط خاصی وجود دارد اما برخی از حقوق غیرقابل تعلیق هستند مانند حق حیات، مصونیت از شکنجه و مصونیت از بردگی. برای مطالعه بیشتر ن. ک. به: (زمانی و اسفندیاری، ۱۳۹۶، صص. ۳۸-۴۰).

۳. مداخله بشردوستانه یا "Humanitarian Intervention"، توسل به زور به قصد حمایت از مردم دولت دیگر در برابر نقض‌های فاحش حقوق بشر می‌باشد در صورتی که دولت هدف مداخله، برای اقدام موثر جهت جلوگیری از نقض‌های حقوق بشر تمایل یا توان نداشته باشد؛ بنابراین مداخله بشردوستانه با ملاحظات انسان‌دوستانه صورت می‌گیرد: (Lowe & Tzanakopoulos, 2011, para.4).

4. Responsibility to Protect (R2P)

مسئولیت حمایت، آموزه‌ای طرح می‌کند که حاکمیت را معادل مسئولیت دولت در حمایت از مردم خود در برابر نقض گسترده حقوق بشر می‌داند. این گزارش، معنای حاکمیت را از چارچوب سنتی وستفالیایی (اقتدار عالی سرزمینی) به چارچوب تأمین امنیت انسانی تغییر داد (ICISS, 2001, p.7). در نتیجه، چنانچه دولتی نتواند به مسئولیت خود در حمایت از مردم در برابر نقض‌های گسترده و سازمان‌یافته حقوق بشر عمل کند یا تمایلی به این وظیفه نداشته باشد، جامعه جهانی مسئولیت دارد تا به حمایت از مردم در خطر اقدام کند و در این راه باید سلسله مراتبی از روش‌های موجود را که آخرین آن‌ها، توسل به زور است استفاده کند. مسئولیت حمایت پس از این گزارش وارد ادبیات بین‌المللی شد و در چند سند بین‌المللی مورد اشاره قرار گرفت. این تحول، مفهوم سنتی حاکمیت وستفالیایی را به نوعی «حاکمیت مشروط حقوقی» تغییر داده است که در آن اقتدار دولت مشروط به رعایت تعهدات حقوقی بین‌المللی، از جمله پیشگیری از جنایات بین‌المللی و نقض‌های حقوق بشر مندرج در کنوانسیون منع نسل‌کشی و اساسنامه رم است.

در کشور ما تحقیقات متعددی درباره نقش و عملکرد شورای امنیت درباره مسئولیت حمایت وجود دارد، اما درباره نقش سایر ارگان‌های بین‌المللی همچون «شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد»^۶ (در ادامه، شورای حقوق بشر) در اجرا و تحقق اهداف این آموزه، پژوهشی خاص ارائه نشده است. مقالات متعددی نیز در رابطه با ساختار و کارکرد شورای حقوق بشر در ایران نگارش شده است اما به ارتباط این نهاد با مسئولیت حمایت و به تبع آن تحلیل این رابطه پرداخته‌اند. شورای حقوق بشر، تخصصی‌ترین رکن سازمان ملل در حوزه نظارت بر حقوق بشر است و با صدور قطعنامه‌های متعدد می‌تواند به هنجارسازی در حقوق بین‌الملل کمک کند؛ بنابراین با توجه به اهمیت حمایت از مردم غیرنظامی در برابر نقض‌های گسترده حقوق بشر که اساس آموزه مسئولیت حمایت می‌باشد و همچنین جایگاه شورای حقوق بشر در نظام حقوق بین‌الملل بشر، انجام پژوهشی درباره رابطه شورا با مسئولیت حمایت ضرورت دارد. در ادبیات پژوهشی خارج از کشور، توجه به این موضوع قابل ملاحظه است. الیزابت پرامندورفر^۷ در مقاله کوتاه «نقش شورای حقوق بشر در اعمال مسئولیت حمایت» به این مسئله پرداخته است؛ وی در این مقاله با بررسی موردی رویه شورا درباره میانمار، ونزوئلا و برون‌دی تبیینی کوتاه از رابطه شورای حقوق بشر و مسئولیت حمایت ارائه داده که بیشتر بر اقدامات پیشگیرانه استوار است.

روش‌شناسی پژوهش

مقاله حاضر با روش توصیفی تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش است که شورای حقوق بشر چگونه می‌تواند از طریق سازکارهای خود، مسئولیت حمایت را از یک چارچوب نظری به یک هنجار عملیاتی در برابر جنایات بین‌المللی تبدیل کند و چه چالش‌هایی این فرآیند را محدود می‌سازد؟ برای بررسی پاسخ، رویه شورا نسبت به جمهوری دموکراتیک خلق کره (در ادامه کره شمالی) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. دلیل برگزیدن کره شمالی برای مطالعه موردی، یکی به دلیل کم توجهی در پژوهش‌های علمی و دوم به دلیل شرایط متفاوت بحران حقوق بشر آن نسبت به سایر مناطق جهان همچون نوار غزه و میانمار است؛ در حقیقت در کره شمالی، بحران حقوق بشر در وضعیت صلح جاری است و به دلیل سیاست‌های دولت تمامیت‌خواه حاکم است حال آنکه بیشتر بحران‌های دیگری که در چارچوب نظریه مسئولیت حمایت قابل بحث هستند درگیر مخاصمه مسلحانه بین‌المللی یا غیر بین‌المللی می‌باشند. مقاله برای اجتناب از تکرار

5. International Commission on Intervention and State Sovereignty (ICISS)

6. United Nations Human Rights Council (HRC)

7. Elisabeth Pramendorfer

مکررات پیرامون مسئولیت حمایت و سازکارهای شورای حقوق بشر، تنها به توضیح مختصری پیرامون آن‌ها می‌پردازد. برای حفظ تمرکز، اشاره به سایر بحران‌ها (مانند میانمار و فلسطین) در این پژوهش محدود شده و تنها در تحلیل چالش‌های گزینشگری سیاسی مورد توجه قرار گرفته‌اند. در ارتباط با رویه شورای حقوق بشر، قطعنامه‌ها و گزارش‌هایی انتخاب شدند که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به اصول پیشگیری، واکنش یا بازسازی پرداخته‌اند. اسنادی مورد توجه قرار دارند که بین سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۵ تصویب یا منتشر شده‌اند و با تحولات مسئولیت حمایت مرتبط هستند.

۱. مبانی نظری و ادبیات پژوهش

۱-۲. مسئولیت حمایت

ریشه‌های ابداع مسئولیت حمایت از یکسو به تحولات حقوقی که به تحکیم احترام به حقوق بشر در نظام بین‌الملل انجامید و از یک طرف به برخی اندیشه‌ها همچون نظریه «جهان میهنی»^۸ و «عدالت جهانی»^۹ بازمی‌گردد. اساس نظریه جهانی میهنی، اندیشه بشریت واحد می‌باشد (فلسفی، ۱۳۹۹، ص ۵۱۸). همه مردم دنیا، شهروند جهان هستند؛ از این رو حقوق همه می‌بایست تضمین گردد و هر گونه ظلم و بی‌عدالتی، تکلیفی برای همگان ایجاد می‌کند که شهروندان مورد ستم را یاری بدهند. بر همین اساس است که عدالت جهانی تعریف می‌شود و مطابق آن برقراری عدالت باید از مرزهای داخلی کشورها فراتر رود و در سطح بین‌المللی اجرایی شود. حاکمیت دولت‌ها رقیب مشترک نظریه جهانی میهنی و آموزه مسئولیت حمایت می‌باشد.

آموزه مسئولیت حمایت بعد از گزارش سال ۲۰۰۱ کمیسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت دولت، به عنوان یک هنجار مورد اتفاق دولت‌ها در بندهای ۱۳۸ و ۱۳۹ قطعنامه مجمع عمومی معروف به «سند اجلاس سران جهان (۲۰۰۵)» بیان شد (UNGA, 2005, paras.138-139). براساس این بندها، دولت‌ها مسئول حمایت از مردم خود در برابر نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و پاکسازی قومی هستند؛ این مسئولیت شامل پیشگیری از تحریک ارتکاب نیز می‌شود. جامعه بین‌المللی باید به دولت‌ها در این رابطه مساعدت و از روش‌های دیپلماتیک و ابزارهای بشردوستانه و صلح‌آمیز استفاده کند. در صورت عدم تمایل یا شکست دولت، دولت‌ها موظفند براساس فصول ششم و هفتم منشور ملل متحد و براساس صلاحیت‌های شورای امنیت و از طریق همکاری با سازمان‌های منطقه‌ای به اقدامات جمعی جهت حمایت از مردم در برابر جنایات بین‌المللی مبادرت ورزند. این سند، برخلاف گزارش سال ۲۰۰۱ مسئولیت حمایت، مجوز اقدام نظامی را در انحصار شورای امنیت قرار می‌دهد. جامعه بین‌المللی نیز سازگاری خود را با محتوای سند اجلاس سران جهان که تفسیر محدودتری از مسئولیت حمایت دارد نشان داده است و اقدامات یکجانبه نظامی برپایه مسئولیت حمایت را به رسمیت نمی‌شناسد (Ercan, 2016, p.86).

بان کی مون، دبیرکل وقت سازمان ملل در گزارشی با عنوان «اجرای مسئولیت حمایت» در سال ۲۰۰۹ (در ادامه، گزارش سال ۲۰۰۹)، ارکان سه‌گانه‌ای برای مسئولیت حمایت مشخص می‌کند: ۱- حاکمیت شامل مسئولیت حمایت از مردم قلمرو خود در برابر جنایات بی‌رحمانه است ۲- جامعه بین‌المللی باید به دولت‌ها جهت اجرای مسئولیتشان مساعدت کند ۳- در صورتی که یک دولت در اجرای مسئولیت حمایت خود کوتاهی می‌کند یا آشکارا شکست می‌خورد، جامعه جهانی دارای یک مسئولیت فرعی به نمایندگی از شورای امنیت برای حمایت از مردم در خطر است (Hofmann,)

8. Cosmopolitan

9. Global Justice

2023, pp.23-24). آموزه مسئولیت حمایت، متشکل از سه اصل کلیدی پیشگیری، واکنش و بازسازی است (ICISS, 2001, p.XI)؛ پیشگیری، مهم‌ترین اصل می‌باشد زیرا هر گونه واکنش برای اجرای مسئولیت حمایت مستلزم عدم کفایت تدابیر پیشگیرانه است؛ همچنین اقدام نظامی برای مسئولیت حمایت نیازمند احراز دلیل موجه، حسن نیت، رعایت تناسب، وجود چشم‌انداز معقول و استفاده از زور به عنوان آخرین حربه است (بیگ‌زاده، ۱۴۰۱، صص. ۸۱۹-۸۲۰). در مسئولیت حمایت باید سلسله‌ای از اقدامات غیرقهری و قهری غیرنظامی انجام شود و در صورت نیاز از اقدامات قهری نظامی استفاده می‌شود.^{۱۰} مسئولیت حمایت توسط کمیسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت دولت، وصف خاص حقوقی یا اخلاقی نیافت و به عنوان یک اصل راهنما که هنوز وارد حقوق بین‌الملل عرفی نشده، لحاظ گردید؛ چارچوبی که طیفی از موازین سیاسی و عملیاتی را دربردارد (Kolb, 2018, p.29). مسئولیت حمایت حتی پس از ورود به مصوبات ارکان سازمان ملل، دارای یک ماهیت مبهم است. حتی استناد شورای امنیت به مسئولیت حمایت در ارتباط با بحران‌های لیبی، سودان و ساحل عاج نیز سبب نشده است که این آموزه وضعیت یک قاعده حقوقی را پیدا کند. صاحب‌نظران درباره اینکه آیا مسئولیت حمایت یک هنجار واحد است یا اینکه مجموعه‌ای از هنجارهای مختلف اتفاق نظر ندارند، هر چند اکثریت اعتقاد به تکثرگرایی هنجارها در قالب مسئولیت حمایت دارند (Labonte, 2016, p.134). تقابل مسئولیت حمایت با برخی اصول کلی حقوقی همچون اصل عدم مداخله و مصونیت دولت‌ها، نگرانی بابت اقدامات یکجانبه نظامی (مانند حمله ائتلاف آمریکا به عراق و حمله روسیه به گرجستان) و سوءاستفاده اعضای شورای امنیت (مانند ادعاهایی مطرح شده در قضیه لیبی) باعث بروز چند دستگی و حتی مخالفت صریح برخی دولت‌ها با آموزه مسئولیت حمایت شده است.

منبعث از اسناد مورد اشاره، مسئولیت حمایت قابل تفکیک به مسئولیت ابتدایی و مسئولیت ثانویه یا فرعی است؛ مسئولیت حمایت ابتدایی، به نوعی در تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در اسنادی همچون کنوانسیون منع و مجازات جنایت نسل‌کشی (ادامه، کنوانسیون منع نسل‌کشی)، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و اساسنامه رم منعکس است و پایه حقوقی محکمی دارد. مسئولیت حمایت ثانویه، همان مسئولیت جامعه جهانی است که در صورت شکست و بی‌میلی دولت، فعال می‌شود که محل مناقشه است (Labonte, 2016, p.136).

مسئولیت حمایت را می‌توان، یک آموزه یا یک هنجار در حال ظهور حقوق بین‌الملل تلقی کرد که همچنان نیازمند تکامل و توجه بیشتر از جانب دولت‌ها و سازمان ملل متحد است؛ به عبارت دیگر مسئولیت حمایت همچنان به مرحله یک هنجار بدیهی حقوقی و مقبول از سوی دولت‌ها نرسیده است (Contarino, Negrón-Gonzales & Mason, 2012, p.279). این آموزه که به دنبال ارتقای حمایت از حقوق بشر و جلوگیری از فجایع انسانی است، با اهداف منشور ملل متحد انطباق دارد و چه بسا تجلی آرمان‌های دیرینه منشور تلقی شود که دستاوردهای حقوقی نظام بین‌الملل را ذیل یک چارچوب واحد قرار داده است (فلسفی، ۱۳۹۹، ص. ۴۵۱).

توجه به مفهوم «مراقبت بایسته»^{۱۱} می‌تواند مسئولیت حمایت را از یک چارچوب سیاسی به یک تعهد حقوقی الزام‌آور ارتقا دهد. براساس این مفهوم می‌توان دولت‌ها را ملزم کرد تا جای ممکن تلاش کنند از طریق سازکارهای ملی (مانند

۱۰. شورای امنیت در بحران لیبی (۲۰۱۱) ابتدا از اقداماتی همچون ارجاع وضعیت این کشور به دیوان کیفری بین‌المللی شروع کرد تا به صدور مجوز مداخله نظامی رسید. در بحران ساحل عاج (۲۰۱۱) نیز شورای امنیت صرفاً مسئولیت حمایت دولت حاکم را یادآور شد و تصمیم به اقدام نظامی نگرفت.

نهادهای قضایی مستقل) و بین‌المللی (مانند حضور فعال در بررسی دوره‌ای جهانی شورای حقوق بشر)، از وقوع جنایات بین‌المللی پیشگیری کنند. دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی صربستان علیه بوسنی (۲۰۰۷) با توجه به همین مفهوم و ماده اول کنوانسیون منع نسل‌کشی، دولت صربستان را بابت عدم جلوگیری از ارتکاب نسل‌کشی توسط نیروهای مسلح صرب‌های بوسنی، مسئول دانست (ICJ, 2007, para.430).

۱-۲. شورای حقوق بشر

کوفی عنان، دبیر کل وقت سازمان ملل در مارس سال ۲۰۰۵ در گزارش «به سوی آزادی بیشتر» پیشنهاد بنیان یک شورای حقوق بشر را مطرح می‌کند که دارای سازکار نظارت منسجم و قوی بر رعایت حقوق بشر در جهان باشد؛ هدف این بود، توجه به حقوق بشر بسان اهمیت به توسعه و امنیت باشد (هاشمی، ۱۴۰۰، ص. ۲۵۷).

شورا می‌بایست جایگزین «کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل»^{۱۲} به عنوان رکن فرعی شورای اقتصادی و اجتماعی می‌شد؛ این نهاد به دلیل عملکرد ناموفق، ترکیب اعضا و رویکردهای سیاسی و گزینشی آن نسبت به بررسی نقض‌های گسترده حقوق بشر و ناتوانی در برخورد با اقدامات قدرت‌های بزرگ، مورد انتقاد بود (زمانی، ۱۳۸۵، ص. ۳۰۶). سرانجام مجمع عمومی سازمان ملل طی قطعنامه ۶۰/۲۵۱ در مارس سال ۲۰۰۶، به تأسیس شورای حقوق بشر به عنوان رکن فرعی مجمع رای داد. شورا از ۴۷ عضو تشکیل شده که هریک با رای مخفی و مستقیم اکثریت اعضای مجمع عمومی انتخاب می‌شوند؛ اعضای شورا به مدت سه سال عضو شورا می‌باشند و انتخاب متوالی آن‌ها صرفاً برای یک دوره بلامانع است. اعضای مجمع می‌توانند با اکثریت دو سوم آرا، عضویت دولتی که مرتکب نقض گسترده حقوق بشر می‌شود را تعلیق کنند (Tistounet, 2020, p.6). شورای حقوق بشر برخلاف ارگان سلف خود، دارای سیستمی کوچک و شیوه عادلانه‌تر انتخاب اعضا است؛ شورا دارای رهاوردهای خاصی از جمله، ارتقای جایگاه حقوق بشر و گستردگی فعالیت در این حوزه، حمایت جهانی از حقوق بشر و تأکید بر گفتگوی بین‌تمدنی است (شیخی، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۷). قطعنامه تأسیس شورای حقوق بشر، شورا را به حمایت از جهانی بودن حقوق بشر، تقسیم‌ناپذیری و وابستگی متقابل «حقوق مدنی و سیاسی» و «حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» ملزم می‌کند.

شورا از سازکارهای مختلفی برای اجرای اهداف خود بهره می‌برد. براساس اندیشه جهانی بودن حقوق بشر، یک فرآیند «بررسی دوره‌ای جهانی»^{۱۳} وجود دارد که هدف آن بررسی رعایت حقوق بشر از سوی دولت‌های عضو در ادوار مختلف می‌باشد (Ramcharan, 2022, p.13). در جریان این آئین که ابداع جدیدی است، هر چهار سال یکبار گزارشات دولت‌های عضو سازمان ملل، پیرامون اقداماتشان در حوزه حقوق بشر ارائه و از سوی گروه‌های کاری شورا، مورد بررسی قرار می‌گیرد (والاس و ارتگا، ۱۳۹۹، ص. ۳۴۹). سازکار دیگر شورا، آئین‌های خاصی می‌باشند که پیش از این در کمیسیون حقوق بشر وجود داشت. این آئین‌ها برای رسیدگی به وضعیت حقوق بشر در کشورها یا سرزمین‌های معین (مأموریت کشوری) و رسیدگی به موارد مهم نقض حقوق بشر در جهان (مأموریت موضوعی) اجرا می‌شود (ذاکریان و مختاری، ۱۳۹۳، ص. ۶۶). در کنار این آئین‌های خاص، شورای حقوق بشر در مواردی به تشکیل «کمیسیون‌های تحقیق»^{۱۴} نیز مبادرت می‌ورزد؛ از این سازکارها به عنوان سازکار «حقیقت‌یابی»^{۱۵} نام برده می‌شود و ماموران و

12. Commission on Human Rights

13. Universal Periodic Review (UPR)

14. Commissions of Inquiry

15. Fact- finding

کارشناسان مجری آن هم به «حقیقت‌یابان حقوق بشر»^{۱۶} شهره هستند. این حقیقت‌یابان هر سال گزارشاتی از اقصی نقاط جهان در حوزه حقوق بشر بدست آورده و به ارزیابی آن می‌پردازند و در باب اتهامات نقض حقوق بشر تحقیق می‌کنند و به دولت‌ها در راستای محافظت از اشخاص در معرض خطر توصیه‌هایی می‌کنند. گزارشات حقیقت‌یابان، جزئیات نقض‌های حقوق بشر از قتل‌های خودسرانه و فراقانونی، ناپدید سازی اجباری، قاچاق انسان و خشونت علیه زنان و کودکان را دربردارد (Ramcharan, 2022, p.90). حقیقت‌یابان، عهده‌دار عناوینی همچون گزارشگر ویژه، نماینده دبیرکل یا کارشناس مستقل می‌باشند و همگی می‌بایست مستقل و بی‌طرفانه عمل کنند. سازکار دیگری که در شورای حقوق بشر وجود دارد، آئین محرمانه رسیدگی به شکایات می‌باشد که بر همکاری دولت مورد شکایت و قربانی استوار است (والاس و ارتگا، ۱۳۹۹، ص. ۳۴۸).

بنا به نظر رامچاران (سرپرست سابق کمیساریای عالی حقوق بشر ملل متحد) باوجود تأسیس شورای حقوق بشر، برخی ضعف‌های اساسی کمیسیون حقوق بشر در شورا رخنه کرده است؛ حضور دولت‌های ناقض حقوق بشر، رویکردهای جانبدارانه و مصلحت‌اندیشی سیاسی در شورای حقوق بشر همچنان قابل ملاحظه است (Ramcharan, 2019, p.177)؛ از اینرو یکی از انتقادات مهم به شورا، رویکردهای مغرضانه برخی گزارش‌های ویژه در مورد کشورها و عدم رعایت اصل بی‌طرفی توسط برخی گزارشگران ویژه می‌باشد.^{۱۷}

۲. همسویی اهداف شورای حقوق بشر و آموزه مسئولیت حمایت

از زمان پذیرش مسئولیت حمایت در سند اجلاس سران جهان (۲۰۰۵)، توجه جامعه جهانی به سمت شورای امنیت می‌رود؛ رکنی که براساس منشور ملل متحد، دارای اختیارات وسیعی است و بدین جهت انتظار می‌رود تا با نقض‌های گسترده حقوق بشر و فجایع قریب‌الوقوع انسانی مقابله کند. به اندازه این توجه زیاد، توجه کمی به شورای حقوق بشر شده است (Pramendorfer, 2020, p.239).

یک مقایسه، نشان می‌دهد مسئولیت حمایت با ویژگی‌های حقوقی شورای حقوق بشر، همراستایی دارد؛ از جمله این ویژگی‌ها، تشویق دولت‌ها به رعایت تعهدات خود در زمینه حقوق بشر، مشارکت در همکاری و جلوگیری از نقض حقوق بشر و دخالت فوری در موارد اضطراری در زمینه حقوق بشر می‌باشد (هاشمی، ۱۴۰۰، ص. ۲۵۹). این ویژگی‌ها در کنار سازکارهای شورای حقوق بشر، مبین جایگاه این حقوق نزد شورا است؛ حقوقی که بخشی از آن‌ها ویژگی یک «قاعده آمره»^{۱۸} پیدا کرده‌اند و به نوعی حاکمیت ملی را در خدمت حقوق بشر می‌داند. این معادل زبان آموزه مسئولیت حمایت است که زندگی، کرامت انسانی و حقوق بشر را بالاتر از مفهوم ریشه‌دار حاکمیت دولت می‌داند (Wyatt, 2021, pp.102-103).

شورای حقوق بشر نه تنها به عنوان یک نهاد نظارتی، بلکه به عنوان یک «میانجیگر هنجاری»^{۱۹} عمل می‌کند که می‌تواند شکاف میان اصول سنتی حقوق بین‌الملل (مانند عدم مداخله) و الزامات نوظهور مسئولیت حمایت را پر کند. این نقش

16. Human rights fact- finders

۱۷. به عنوان مثال، حضور جاوید رحمان، گزارشگر ویژه سابق شورا درباره ایران در اجلاس سازمان مجاهدین خلق، مدتی کوتاه پس از ترک سمت، بی‌طرفی وی در دوران فعالیتش را زیر سوال برد. سازمان مجاهدین خلق جزو گروهک‌های تروریستی محسوب می‌شود که سابقه ارتکاب اقدامات تروریستی گسترده‌ای در ایران دارد.

18. Peremptory norms (jus cogens)

19. Normative mediator

میانجیگری از طریق ایجاد یک «گفتمان هنجاری مشترک» میان دولت‌ها شکل می‌گیرد، جایی که شورا با استفاده از بررسی دوره‌ای جهانی و گزارش‌های کمیسیون‌های تحقیق، به تدریج پذیرش مسئولیت حمایت را به عنوان بخشی از هویت حقوقی دولت‌ها نهادینه می‌کند. برخلاف دیدگاه رایج که شورا را صرفاً یک نهاد توصیه‌ای می‌داند، این تحلیل پیشنهاد می‌دهد که شورا می‌تواند با بهره‌گیری از فشار همتایان (همچون کمیساریای عالی حقوق بشر، کمیته حقوق بشر و...) و شفافیت اطلاعاتی، دولت‌ها را به پذیرش مسئولیت ابتدایی و حتی همکاری در مسئولیت ثانویه ترغیب کند. این فرآیند، مشابه دیپلماسی چندجانبه در حوزه تغییرات اقلیمی، می‌تواند به تدریج هنجارسازی عملی مسئولیت حمایت را تقویت کند.

۳. ظرفیت‌های شورای حقوق بشر در اجرای اصول پیشگیری و واکنش در مسئولیت حمایت

نمایندگان دولت‌ها در طی مباحثات رسمی سالانه و گفت‌وگوهای تعاملی غیررسمی در مورد مسئولیت حمایت، به ارتباطات حقوق بشر با این آموزه پرداخته‌اند؛ بسیاری از نظرات بر نقش پیشگیرانه شورای حقوق بشر و عملکردهای آن برای هشدار زود هنگام و واکنش سریع متمرکز است. این دیدگاه با وظایف شورای حقوق بشر منطبق است زیرا شورا موظف است از نقض حقوق بشر پیشگیری کند (Pramendorfer, 2020, p.240). شورای حقوق بشر ناظر اجرای تعهدات حقوق بشری دولت‌هاست و عملکرد هر دولتی را زیر ذره‌بین دارد؛ نظارت‌ها می‌توانند بحران‌های انسانی قریب‌الوقوع را از قبل پیش‌بینی کنند و با اعلام عمومی آن‌ها مانع از گسترش نقض حقوق بشر شوند و در این رابطه دولت حاکم را ترغیب به بهبود عملکرد خویش نمایند؛ بر همین اساس بود که بان کی مون در گزارش سال ۲۰۰۹ ضمن تأکید بر نقش مجمع عمومی و شورای امنیت در اجرای مسئولیت حمایت، نهادهایی همچون شورای حقوق بشر را مکمل آن‌ها می‌داند (Secretary-General, 2009, para.70).

۳-۱. رویکرد قطعنامه‌های مصوب شورای حقوق بشر

نخستین قطعنامه شورای حقوق بشر درباره مسئولیت حمایت، قطعنامه ۷/۲۵ موسوم به «پیشگیری از نسل‌کشی» در سال ۲۰۰۸ است؛ پس از آن شورای حقوق بشر رویه ثابتی را آغاز و در قطعنامه‌های مختلفی، به مسئولیت حمایت استناد می‌کند. محتوای قطعنامه‌ها براساس اطلاعات گزارشگران ویژه و کمیسیون‌های تحقیق تنظیم می‌شوند. قطعنامه‌های شورای حقوق بشر پیرامون مسئولیت حمایت، یا مانند قطعنامه ۷/۲۵ موضوع محور است و یا پیرامون کشور خاصی تصویب می‌شوند.

شورا در قطعنامه پیشگیری از نسل‌کشی بر مسئولیت هر دولت بر حمایت از مردم از طریق اتخاذ روش‌های مناسب و ضروری در برابر ارتکاب جنایت نسل‌کشی (که شامل پیشگیری و مقابله با تحریک آن نیز می‌شود) تأکید می‌کند و از دولت‌ها می‌خواهد به تعهدات کنوانسیون منع نسل‌کشی توجه و از ظرفیت‌های موجود برای همکاری بین‌المللی استفاده کنند (A/HRC/RES/7/25, 2008). شورای حقوق بشر در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۲۴ نیز قطعنامه‌هایی با محتوای پیشگیری از وقوع نسل‌کشی صادر می‌کند. در حوزه حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز شورای حقوق بشر در سپتامبر ۲۰۰۸ قطعنامه‌ای با عنوان «حمایت از حقوق بشر غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه» از سوی شورا تصویب کرد که براساس محتوای آن با مصونیت عاملان نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه نسبت به غیرنظامیان مخالفت و بر رعایت حقوق غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه تأکید می‌شود (A/HRC/9/L.21).

شورای حقوق بشر توجه دارد دولت‌ها دارای مسئولیت جمعی برای رعایت اصول حقوق بشر و حیثیت انسانی، برابری و انصاف در سطح بین‌المللی هستند (Ramcharan, 2022, p.153) و در این خصوص، قطعنامه‌ای در سال ۲۰۱۱ صادر می‌کند (A/HRC/RES/16/22). براساس گزارش سال ۲۰۰۹ دولت‌ها می‌توانند با همکاری بین‌المللی، به پیشبرد اهداف پیشگیری و حمایت از حقوق بشر در آموزه مسئولیت حمایت، اقدام کنند و می‌توانند به شورای حقوق بشر برای بررسی راه‌های تشویق کشورها به انجام تعهدات خود در رابطه با مسئولیت حمایت و نظارت بر عملکرد آن‌ها در این زمینه کمک کنند.

در قطعنامه‌های مرتبط با دولت‌ها، تمرکز اصلی بر مسئولیت حمایت ابتدایی هر دولت است و دولت‌هایی مانند سوریه، کره شمالی، جمهوری دموکراتیک کنگو، سودان شمالی، سودان جنوبی، گینه و آفریقای مرکزی همواره موضوع این قطعنامه‌ها بوده‌اند (Global Center for the Responsibility to Protect, 2024). شورا با چنین قطعنامه‌هایی، دولت‌ها را به تقویت سازکارهای ملی در جهت حمایت از حقوق بشر ترغیب می‌کند و حتی زمینه‌ساز ایجاد هنجارهایی در سطح ملی می‌شود. به اعتقاد رامچاران، هرگاه در ارتباط با ابعاد بین‌المللی مسئولیت حمایت بحثی صورت می‌گیرد، شکی نیست که از قبل، یک مسئولیت ملی حمایت وجود دارد که بر عهده هر دولتی در جهان است. مبنای این مسئولیت باید در تعهدات بین‌المللی تحت منشور ملل متحد و اسناد بین‌المللی همچون معاهدات حقوق بشری مشاهده شود. در گردهمایی‌های مهم جهانی از کنفرانس جهانی حقوق بشر وین (۱۹۹۳) تا اجلاس هزاره (۲۰۰۰) و حتی اجلاس سران جهان (۲۰۰۵) بر جهان‌شمولی حقوق بشر تأکید شده است (Ramcharan, 2015, p.86)؛ الکس بلامی^{۲۰} معتقد است، می‌بایست جنبه‌های پیشگیری، تعهدات دولت‌ها برای ظرفیت‌سازی با هدف جلوگیری از ارتکاب جنایات گسترده، کمک به دولت‌ها برای انجام مسئولیت‌های ملی و بهبود اثربخشی اقدامات غیر قهری، مهم‌ترین بُعد مسئولیت حمایت باشند. کاتارینا سیمون^{۲۱} نیز بنیان‌نهادهایی همانند «کمیسیون صلح‌سازی»^{۲۲} و شورای حقوق بشر را سازکارهایی نیروبخش برای مسئولیت حمایت می‌داند (Simonen, 2011, p.283).

مسئولیت حمایت، ابتدائاً مسئولیت دولت است و دولت حاکم می‌بایست با تکیه بر تأسیس نهادها، ظرفیت‌سازی و ارتقای سیاست‌های ملی خود به پیشگیری از بروز تنش‌های احتمالی و مدیریت درگیری‌های جاری کمک کند و این چنین، مردم خود را در مقابل ارتکاب جنایات بین‌المللی حمایت کند. چنین سیاستی در کنار وجود سازکارهای رسیدگی به اختلافات داخلی و حمایت از حقوق همه گروه‌ها، امکان بروز تنش‌های داخلی و نقض‌های گسترده حقوق بشر را کاهش می‌دهد (ICISS, 2001, paras.14-15). در نتیجه «شورای حقوق بشر باید بر این فرض عمل کند که هر دولتی دارای مسئولیت ملی جهت حمایت از حقوق بشر می‌باشد» (Ramcharan, 2015, p.83). در مباحثات بین‌المللی، توجه زیادی به مسئولیت حمایت در سطح بین‌المللی شده است؛ جدی‌ترین مباحثات از سوی برخی دولت‌ها، به ویژه دولت‌های در حال توسعه می‌باشد که از مداخله در امور داخلی خود هراس دارند. با این حال به مسئولیت ملی دولت توجه کم‌تری می‌شود حال آنکه برای جلوگیری از بروز فجایع انسانی، هر دولتی باید از داخل حمایت از حقوق بشر را تقویت کند. چنین تعهدی در «میثاق حقوق مدنی و سیاسی» نیز تصدیق شده است (International Covenant on Civil and Political Rights, Article.2)؛ در نتیجه دولت‌ها موظفند اقدامات نقضی، اجرایی

20. Alex Bellamy

21. Katariina Simonen

22. Peacebuilding Commission

و قضایی در راستای ایفای مسئولیت ملی خود اتخاذ و برای جبران خسارت به کسانی که حقوقشان نقض گردیده، ظرفیت سازی کنند (Ramcharan, 2015, p.84). به جرئت می‌توان گفت، موفق‌ترین شکل اجرای مسئولیت حمایت، زمانی است که با نقض‌های گسترده حقوق بشر برخورد ریشه‌ای شود و شورای حقوق بشر، اقدامات مختلفی جهت مقابله بنیادین با ریشه‌های نقض‌های گسترده حقوق بشر انجام داده است (Ramcharan, 2022, p.66).

قطعه‌نامه‌های شورای حقوق بشر همانند رکن مادر خود، مجمع عمومی، دارای ماهیت توصیه‌ای و غیر الزامی است؛ با این حال آیا قطعه‌نامه‌های شورا تأثیرگذار هستند؟ آیا رویه شورا می‌تواند به تبدیل مسئولیت حمایت به عنوان یک هنجار الزام‌آور بیانجامد؟ لازم به ذکر است، بسیاری از موضوعات این قطعه‌نامه‌ها از پیش جزو تعهدات حقوقی دولت‌ها هستند و رویه شورا، تأکید بر این تعهدات است. مواردی که در داشتن این جنبه، دارای ابهام هستند نیز می‌توانند در گذر زمان، وضعیت یک تعهد حقوقی را بیابند. همچنین به اعتقاد کریستین توماشات^{۲۳} علی‌رغم الزام‌آور نبودن قطعه‌نامه‌های شورای حقوق بشر، قطعه‌نامه‌های زیادی ضمانت‌های خاص حقوق بشر را مو به مو بیان کرده‌اند و این مطلب، تأثیر زیادی بر توسعه حقوق دارد؛ به شکل گریز ناپذیری، رویه داخلی و بین‌المللی این قطعه‌نامه‌ها را به عنوان راهنمای سیاست‌ها و اقدامات مرتبط با حقوق بشر در نظر می‌گیرد؛ بنابراین، فرآیند تبدیل به قواعد الزام‌آور شروع می‌شود که می‌تواند به عنوان تفسیر قواعد مکتوب و یا یک هنجار جدید حقوق عرفی شناخته شوند. توماشات پا را تا آنجا فراتر می‌گذارد که اگر وکلا یا نمایندگان دولت‌ها در نهادهای بین‌المللی به هنجارهای نرم استناد نکنند، در انجام وظیفه خود کوتاهی کرده‌اند (Ramcharan, 2023, p.143).

استناد گسترده به مسئولیت حمایت می‌تواند به تقویت این گفتمان که حمایت از مردم در برابر جنایات بین‌المللی و نقض‌های گسترده حقوق بشر، یکی از مؤلفه‌های شناسایی یک دولت است، کمک کند. نکاتی از رویه شورای حقوق بشر قابل استنباط است؛ اولین نکته، رویکرد فعال شورای حقوق بشر نسبت به مسئولیت حمایت است به گونه‌ای شورا در سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۴، تعداد قطعه‌نامه‌های شورا در این رابطه از تعداد قطعه‌نامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل بیشتر بوده است (Global Center for the Responsibility to Protect, 2024).

نکته دوم اینکه، شورا درباره برخی بحران‌های انسانی قطعه‌نامه‌ای با محتوای مسئولیت حمایت صادر نکرده است. این انفعال در ارتباط با بحران‌های مسلمانان روهینگای میانمار و فلسطین و نوار غزه می‌باشد این در حالیست که شورا درباره بحران‌های نسبتاً مشابه نظیر سوریه و کنگو قطعه‌نامه‌های متعددی صادر کرده است؛ در این میان بحران گینه (حول محور سرکوب تظاهرات مردمی ورزشگاه کوناکری در سال ۲۰۰۹) حتی مقیاس تلفات بسیار کم‌تری به نسبت سایر بحران‌ها داشته است که قطعه‌نامه‌ای با محتوای مسئولیت حمایت درباره آن صادر شده است.

۲-۳. کارکرد سازکارهای شورای حقوق بشر

براساس گزارش سال ۲۰۱۴ دبیرکل سازمان ملل، سازکارهای شورای حقوق بشر به همگان یادآوری می‌کنند هیچ جامعه‌ای از تهدیدات جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی، نسل‌کشی و پاکسازی قومی مصون نیست؛ جلسات شورای حقوق بشر و بررسی دوره‌ای جهانی فرصت‌هایی برای بیان نگرانی‌ها در مورد نقض حقوق بشر که می‌تواند عوامل خطر برای جرائم فجیع مذکور باشد، فراهم می‌کند. ماهیت عمومی این گونه بررسی‌ها، انگیزه‌های خاصی برای دولت‌ها ایجاد می‌کند تا به مسئولیت حمایت ابتدایی بپردازند (Secretary General, 2014, para.31). دبیرکل سازمان ملل در

گزارش سال ۲۰۱۵ خود، شورای حقوق بشر و آئین‌هایش را جزو ابزارهای کاهش حساسیت‌های سیاسی که مانع پیشگیری زود هنگام نسبت به ارتکاب جنایات بین‌المللی می‌شوند، برمی‌شمرد. پیش از این گزارش سال ۲۰۰۹ بر فرآیند بررسی دوره‌ای جهانی تأکید داشت که می‌تواند ابزاری مهم برای پیشبرد حقوق بشر و به طور غیرمستقیم اهداف مرتبط با مسئولیت حمایت باشد (Secretary-General, 2009, para.16).

سازکار بررسی دوره‌ای جهانی، به عنوان یک نهاد نظارتی مبتنی بر تعامل، مساعدت و بررسی یکسان وضعیت‌های حقوق بشر نسبت به تمام اعضای سازمان ملل بوده و تأثیر قابل توجهی بر ترغیب دولت‌ها جهت حمایت و ارتقا حقوق بشر داشته است و نقش یک نهاد مکمل برای کلیه ارکان و کمیته‌های نظارتی حقوق بشری ایفا می‌کند (ربانی بیدرونی و افروغ، ۱۴۰۱، ص. ۲۰). این سازکار اهداف مختلفی همچون بهبود وضعیت حقوق بشر در سطح ملی، اجرای تعهدات حقوق بشری دولت و ارزیابی پیامدهای پیشرو، ارتقای ظرفیت دولت‌ها، کمک به بهبود شرایط و اشتراک بهترین روش‌ها بین دولت‌ها و تشویق به تعامل دولت‌ها با شورا، «کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد»^{۲۴} و سایر نهادهای حقوق بشری دنبال می‌کند (شکوری و عباس زاده فتح آبادی، ۱۴۰۱، ص. ۳۴). در بررسی دوره‌ای جهانی، دولت‌ها نیز می‌توانند در چارچوب گفتگوهای تعاملی، دیدگاه‌ها و توصیه‌هایی خطاب به دولت مورد بررسی ارائه کنند؛ همچنین «سازمان‌های غیردولتی»^{۲۵} می‌توانند در جریان بررسی دوره‌ای جهانی در فرصتی محدود مشارکت کنند. این سازکار، وضعیت تمام اعضای سازمان ملل را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ این موضوع از این جهت اهمیتی اساسی دارد که دولت‌های غیر عضو آن دسته از معاهدات حقوق بشری که دارای کمیته ناظر هستند، نیز مشمول بررسی خواهند بود (همت و حبیبی اردکانی، ۱۳۹۶، ص. ۱۷۵). شورای حقوق بشر می‌تواند تلاشی آگاهانه انجام دهد تا مسئولیت حمایت را به عنوان یکی از موضوعات یا سوالات پیشرو در بررسی‌های این سازکار بگنجانند (Gierycz, 2010, p.264).

آئین‌های خاص و کمیسیون‌های تحقیق، ابزارهای دیگری در راستای پیشگیری از نقض‌های گسترده حقوق بشر می‌باشند؛ گزارشگران ویژه وظیفه نظارت بر وضعیت یک دولت در همه ابعاد حقوق بشر را بر عهده دارند و زمانی که نقض حقوق بشر در وضعیت بحرانی باشد، برای بررسی موضوع تعیین می‌شوند و در صورت موافقت دولت‌ها می‌توانند بازدید کشوری نیز انجام دهند (غیابی و رنجبریان، ۱۴۰۲، ص. ۸۰). این مأموریت‌ها نشانه‌هایی از فجایع انسانی قریب الوقوع را آشکار می‌کنند (Ramcharan, 2022, p.57). به همین جهت نقش گزارشگران ویژه شورای حقوق بشر، به عنوان یک سازکار هشدار زود هنگام نسبت به ارتکاب جنایات بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است (Van der Have, 2018, p.36). منهای مأموریت‌های کشوری، مأموریت‌های موضوعی نیز در اجرای اصل پیشگیری نقش دارند؛ در دسامبر ۲۰۲۲، دبیرکل سازمان ملل به درخواست شورای حقوق بشر فهرستی از مأموریت‌های موضوعی پیشگیرانه را ارائه می‌دهد که بخشی از آن‌ها با پیشگیری از نقض‌های گسترده حقوق بشر و افراط‌گرایی خشونت‌آمیز مرتبط است (Ramcharan, 2022, pp.59-60).

کمیسیون‌های تحقیق نیز در کنار گزارشگران ویژه، نقش سازکار هشدار دهنده را ایفا می‌کنند و به جهت حضور بیش از یک فرد، توان ارزیابی بالاتری دارند. گزارش سال ۲۰۰۱ نیز بر ضرورت وجود یک سازکار اعلام هشدار زود هنگام تأکید داشت که برای جلوگیری از گسترده‌تر شدن نقض حقوق بشر، ضروری است (ICISS, 2001, p.21)؛ لازم به

24. United Nations High Commissioner for Human Rights

25. Non-Governmental Organizations

ذکر است، کمیساریای عالی حقوق بشر و شورای حقوق بشر می‌توانند در این رابطه تعامل کنند؛ چنانچه در جریان بحران پسا انتخاباتی ساحل عاج (۲۰۱۰)، کمیساریای عالی حقوق بشر اطلاعاتی را در اختیار کمیسیون تحقیق ایجاد شده توسط شورای حقوق بشر ارائه داد تا به بررسی نقض‌های ادعایی حقوق بشر در این کشور کمک کند (Secretary General, 2015, para.32).

زمانیکه اقدامات پیشگیرانه در مسئولیت حمایت مؤثر نباشد، اصل واکنش نسبت به فاجعه انسانی در حال وقوع لازم‌الاجرا خواهد شد. جامعه جهانی مسئولیت حمایت می‌یابد چون دولت مدنظر در حمایت از مردم خود در برابر جنایات بین‌المللی ناکام بوده یا بی‌میلی نشان داده است. آنگونه که پیش‌تر اشاره شد، در صورت ضرورت، معجز اقدام نظامی داده می‌شود (ICISS, 2001, paras.4.3-4.7). از جمله معیارهای اتخاذ تدابیر نظامی، «دلیل موجه»^{۲۶} است؛ منظور از دلیل موجه احراز این واقعیت است که غیرنظامیان در قلمرو یک دولت در آستانه آسیب‌های جدی و جبران‌ناپذیر ناشی از جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی، جنایات جنگی و پاکسازی قومی در مقیاس وسیع باشند که نتیجه بی‌میلی، ناتوانی یا شکست دولت نسبت به وقوع آن است (Henderson, 2021, p.329).

شورای امنیت برای شناسایی مبنای اقدام نظامی نیازمند بررسی رویدادهای واقع شده می‌باشد تا به این نتیجه برسد، معیارهای لازم مهیا است؛ در صورت نبود دلیل موجه، می‌بایست اجرای تدابیر غیرنظامی تداوم یابد. طبق گزارش سال ۲۰۰۱، در بسیاری موارد، حقایق متضاد و روایت‌های مختلفی از رویدادها ارائه می‌شود که انگیزه گمراه‌سازی افکار عمومی در پشت پرده آن وجود دارد؛ به همین جهت کسب اطلاعات موثق دشوار است در حالیکه برای دلیل موجه به آن احتیاج است (ICISS, 2001, para.4.28). کمیسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت دولت، نهادهایی همچون «کمیته بین‌المللی صلیب سرخ»^{۲۷}، کمیساریای عالی حقوق بشر ملل متحد و «کمیساریای عالی امور پناهندگان ملل متحد»^{۲۸} را گزینه‌های مطمئنی برای دریافت اطلاعات لازم محسوب کرده است (ICISS, 2001, paras.4.29-4.30). با توجه به سازکارهای شورای حقوق بشر و گزارش‌های دبیرکل سازمان ملل در سال‌های ۲۰۰۹، ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵، شورای مذکور نیز یک گزینه مطمئن ارزیابی می‌شود.

گزارشگران ویژه در جمع‌آوری اطلاعات طیف گسترده‌ای از منابع شامل دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی، نهادهای ملی و آکادمیک، قربانیان فجایع و روزنامه‌نگاران را مورد بررسی قرار می‌دهند و حاصل کار خود را به طور منظم در اختیار مجمع عمومی و شورای امنیت قرار می‌دهند (غیابی و رنجبریان، ۱۴۰۲، ص. ۸۰). کمیسیون‌های تحقیق شورای حقوق بشر نیز یک بازوی ارزیابی و جمع‌آوری اطلاعات موثق تلقی می‌شوند؛ گزارش‌های این کمیسیون‌ها معمولاً با انتقادات دولت مدنظر همراه می‌شود با این حال این گزارش‌ها باید با رعایت اصل بی‌طرفی و حسن نیت نگاشته شوند. این گزارش‌های معمولاً از کیفیت بالایی برخوردار هستند به گونه‌ای که به سوابق تاریخی نقض‌های حقوق بشر هم اشاره می‌شود (Ramcharan, 2022, p.90). شورای حقوق بشر، کمیسیون‌های تحقیق مختلفی برای دولت‌های لیبی، لبنان، کره شمالی، سودان جنوبی، سودان شمالی، سوریه، ساحل عاج، برون‌دی و میانمار تأسیس کرده است. کمیسیون‌ها نه تنها در راستای حقیقت‌یابی نقض حقوق بشر، بلکه برای بررسی موارد نقض حقوق بین‌الملل

26. just cause

27. International Committee for the Red Cross (ICRC)

28. UN High Commissioner for Refugees (UNHCR)

بشردوستانه و جنایات بین‌المللی، شناسایی مسئولان نقض‌ها و تلاش برای پاسخگویی آن‌ها مأموریت یافته‌اند (Harwood, 2019, pp.52-53).

در جریان بحران لیبی (۲۰۱۱)، شورای حقوق بشر به تشکیل یک کمیسیون تحقیق مبادرت ورزید تا نقض‌های حقوق بشر در این کشور را مورد بررسی قرار بدهد؛ همچنین عضویت لیبی در این شورا با اتفاق آراء معلق شد (Nossel & Broecker, 2014, p.230). شورای امنیت در قطعنامه 1970 که در آن مسئولیت حمایت دولت لیبی را یادآور می‌شود، از تأسیس کمیسیون تحقیق شورای حقوق بشر برای لیبی استقبال می‌کند (S/RES/1970, p.1). شورای امنیت در ادامه سیاست تحریم تسلیحاتی و سپس ارجاع وضعیت این کشور به دیوان کیفری بین‌المللی را در پیش می‌گیرد و در نهایت براساس قطعنامه ۱۹۷۳ مجوز توسل به زور براساس مسئولیت حمایت را صادر می‌کند. در قضیه میانمار نیز کمیسیون تحقیق شورای حقوق بشر در گزارشات سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ اطلاعاتی از جنایات وحشیانه در این کشور را مستند کرد و تهدید به ارتکاب نسل‌کشی علیه مسلمانان روهینگیا را مورد اشاره قرار داد. همین اطلاعات محرکی برای طرح شکایت علیه میانمار بر سر اجرای کنوانسیون منع نسل‌کشی در دیوان بین‌المللی دادگستری توسط دولت گامبیا شد (Pramendorfer, 2020, p.241).

برای واکنش فوری و قاطع نسبت به نقض‌های گسترده حقوق بشر در یک کشور، طیفی از ظرفیت‌ها وجود دارد؛ اعمال تحریم اقتصادی یا تسلیحاتی، اعمال تحریم علیه اشخاص، ارسال کمک‌های بشردوستانه، اجرای عدالت کیفری بین‌المللی، ایجاد مناطق امن، اعلام منطقه پرواز ممنوع و در نهایت اقدام نظامی، همگی گزینه‌های بالقوه‌ای هستند که در صورت صلاحدید مورد استفاده خواهند بود. با این حال شورای حقوق بشر از صلاحیت اعمال این موارد برخوردار نیست و از همه مهم‌تر صلاحیت انجام اقدام‌های قاطع‌تری مانند صدور مجوز اقدام نظامی ندارد اما می‌تواند در قالب قطعنامه‌ها و یا گزارش‌های گزارشگران ویژه یا کمیسیون‌های تحقیق به استفاده از گزینه‌های فوق با هدف اجرای مسئولیت حمایت جامعه جهانی و شورای امنیت، توصیه کند و از این جهت منعی بر صلاحیت شورا نیست.

به صورت عملی، گزارشگران ویژه و کمیسیون‌های تحقیق در توصیه‌های خود نهایتاً به سازکارهای قهری غیرنظامی اشاره دارند و هر گونه تدبیر برای مداخله نظامی را متعلق به شورای امنیت می‌دانند و از توصیه غیرمستقیم نیز پرهیز دارند. به عنوان مثال، کمیسیون تحقیق میانمار در گزارش سال ۲۰۱۸، بر مسئولیت حمایت جامعه جهانی تأکید زیادی دارد (A/HRC/39/CRP.2, para.1557) و در قسمت توصیه‌ها از جامعه جهانی می‌خواهد «از طریق سازمان ملل متحد، با تمام ابزارهای دیپلماتیک، بشردوستانه و سایر روش‌های مسالمت‌آمیز برای کمک به میانمار در انجام مسئولیت حمایت از مردم خود در برابر نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی استفاده کند. در صورت لزوم، باید اقدامات جمعی را مطابق با منشور سازمان ملل متحد انجام دهد» (A/HRC/39/CRP.2, para.1699). کمیسیون به شورای امنیت نیز توصیه می‌کند، با ارجاع وضعیت میانمار به دیوان کیفری بین‌المللی، تأسیس دادگاه‌های کیفری موردی و اعمال تحریم هدفمند به ارتکاب جنایت بین‌المللی در این کشور واکنش نشان دهد (A/HRC/39/CRP.2, para.1700).

۴. امکان سنجی کارکرد شورای حقوق بشر در اجرای اصل بازسازی

زمانیکه اقدام نظامی صورت می‌گیرد، به دلیل کناره‌گیری یا سرنگونی دولت حاکم، باید تمهیداتی جهت صلح دائم، ترویج حکمرانی خوب و توسعه پایدار اندیشیده شود. باید تلاش‌هایی صورت گیرد تا شرایطی که منجر به اقدام نظامی

شده است (به طور خاص نقض‌های گسترده حقوق بشر) مجدداً تکرار نشوند؛ بنابراین، برقراری حاکمیت قانون، بازسازی سیستم‌های اداری و قضایی، تسهیل بازگشت پناهندگان، مقابله با مصونیت از جنایات بین‌المللی (Paris, 2016, p.511)، پرداختن به مطالبات ریشه‌دار، حمایت از «عدالت انتقالی»^{۲۹} و اطمینان از آشتی پس از فجایع انسانی، مسائلی حیاتی هستند (Williams, 2015, p.160).

در این راستا، شورای حقوق بشر می‌تواند گزارشگران ویژه و کمیسیون‌های تحقیق برای حقیقت‌یابی تعیین کند. در مواردی که حکومت ستمگر ساقط می‌شود، ابعاد دقیق‌تری از فجایع انسانی و شناسایی عاملان در دسترس قرار می‌گیرد که گزارشگران و کارشناسان شورای حقوق بشر می‌توانند بی‌طرفانه به جمع‌آوری و انتشار آن‌ها بپردازند. لازم به ذکر است نظارت حقوق بشری بر عملکرد نهادها و نیروهای ملی یا بین‌المللی که برای اجرای بازسازی در سرزمین مدنظر فعالیت می‌کنند، ضروری است؛ تداوم نقض گسترده حقوق بشر توسط گروه‌های مختلف (به عنوان مثال شورشیان و شبه‌نظامیان) و نقض موازین حقوق بشر در فرآیندهای عدالت انتقالی (به طور خاص دادرسی‌های قضایی)، به اجرای مسئولیت حمایت و بازگشت صلح و ثبات لطمه می‌زند. به همین جهت نظارت ارگانی همچون شورای حقوق بشر اهمیت دارد. شورای حقوق بشر درباره عدالت انتقالی، قطعنامه ۳۳/۱۹ را در سال ۲۰۱۶ صادر کرده است؛ شورا ضمن تأکید بر مسئولیت حمایت ابتدایی هر دولت نسبت به غیرنظامیان (A/HRC/RES/33/19, para.1)، پیشرفت‌های جامعه بین‌المللی در چارچوب نظام سازمان ملل و توسعه سازکارهای مختلف در راستای اجرای عدالت انتقالی را مورد اشاره قرار می‌دهد.

قطعنامه فوق به اهمیت نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی در اجرای عدالت انتقالی اشاره می‌کند (A/HRC/RES/33/19, para.3) و از کلیه دولت‌ها می‌خواهد، سازکارهای قضایی و غیرقضایی عدالت انتقالی را توسعه بدهند و خواسته‌های قربانیان فجایع را برآورده سازند (A/HRC/RES/33/19, para.4).

۵. عملکرد شورای حقوق بشر نسبت به کره شمالی در چارچوب مسئولیت حمایت

کره شمالی از سال ۱۹۴۸ به صورت رسمی تحت اداره حزب کمونیست قرار دارد و از آن زمان تاکنون خاندان کیم بر این کشور حکومت می‌کنند. به طور عمده در ادبیات بین‌المللی دولت‌های غربی، از حکومت کره شمالی به عنوان یکی از تمامیت‌خواه‌ترین نظام‌های سیاسی معاصر یاد می‌شود که مردم آن تحت نقض‌های گسترده حقوق بشر می‌باشند. دولت کره شمالی در بررسی دوره‌ای جهانی نیز مشارکت دارد و آخرین دور بررسی وضعیت حقوق بشر در این کشور در نوامبر ۲۰۲۴ (دور چهارم بررسی دوره‌ای جهانی) برگزار شد (HRC, 2025). با این حال بنابر گزارشات و رویه شورا، وضعیت حقوق بشر در این کشور مطلوب به نظر نمی‌رسد؛ این نشانگر ناکامی در پیشگیری از نقض گسترده حقوق بشر در کره شمالی از طریق بررسی دوره‌ای است.

شورای حقوق بشر در ۹ آوریل سال ۲۰۱۳ طی قطعنامه‌ای «کمیسیون تحقیق برای وضعیت حقوق بشر در کره شمالی»^{۳۰} ایجاد کرد (A/HRC/RES/22/13)؛ این از معدود دفعاتی بود که سازمان ملل برای وضعیتی که در آن مخاصمه

۲۹. عدالت انتقالی (Transitional Justice) با این مسأله روبرو است که چگونه می‌توان در دوره‌ای از انتقال به صلح و دموکراسی، با وضعیت نقض‌های گسترده حقوق بشر و بشردوستانه در گذشته مواجه شد. این مفهوم تمرکز خود را از دوران پس از مخاصمه فراتر برده است و با نقض‌های حقوق بشر نظام‌های دیکتاتوری نیز سروکار دارد. این مفهوم همچنین شامل پیگرد قضایی، اصلاحات ساختاری به عنوان بخشی از ثبات بلندمدت و کمک‌های توسعه‌ای است (Seibert-Fohr, 2019, para.1).

30. Commission of Inquiry on Human Rights in the Democratic People's Republic of Korea

مسلحانه وجود ندارد، کمیسیون تحقیق تشکیل می‌دهد (Rim, 2022, p.80). کمیسیون در سال ۲۰۱۴ گزارشی درباره وضعیت حقوق بشر در کره شمالی ارائه می‌دهد که در آن مسئولیت حمایت و اجرای عدالت کیفری بین‌المللی پررنگ است (Rim, 2022, p.70). کمیسیون تحقیق کره شمالی در گزارش سال ۲۰۱۴ ارتکاب گسترده نقض گسترده حقوق بشر در قالب جنایت علیه بشریت علیه مردم توسط دولت را تأیید می‌کند؛ طبق یافته‌های کمیسیون جرایمی همچون قتل، تعقیب و آزار به دلایل مذهبی و نژادی، تجاوز جنسی، سقط جنین اجباری و سایر خشونت‌های جنسی، ناپدیدسازی اجباری، شکنجه، استعباد، انتقال اجباری جمعیت، رفتارهای سنگدلانه در بازداشتگاه‌ها و تحمیل رنج در اردوگاه‌های کار اجباری به صورت گسترده و سیستماتیک با هدف سرکوب مردم توسط دولت کره شمالی ارتکاب یافته است (A/HRC/25/63, para.76). کمیسیون با توجه به شرایط موجود و دریافت این نتیجه که دولت کره شمالی آشکارا در اجرای مسئولیت حمایت از مردم خود شکست خورده است، اجرای مسئولیت حمایت از سوی جامعه جهانی را خواستار می‌شود. به اعتقاد کمیسیون، گستردگی نقض حقوق بشر در این کشور، ناشی از ناکافی بودن پاسخ جامعه جهانی به اقدامات دولت کره شمالی است (A/HRC/25/63, para.86). توصیه بعدی کمیسیون، ارجاع وضعیت کره شمالی به دیوان کیفری بین‌المللی از سوی شورای امنیت و یا تشکیل دادگاه بین‌المللی خاص برای رسیدگی به نقض‌های گسترده حقوق بشر (A/HRC/25/63, para.87) و همچنین اعمال تحریم هدفمند علیه مقامات این کشور بود (A/HRC/25/63, para. 94a). ظرفیت‌های مورد اشاره کمیسیون برای مقابله با نقض‌های حقوق بشر در کره شمالی، متمرکز بر اقدامات قهری غیرنظامی است.

گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر برای کره شمالی نیز، تقریباً در تمام گزارشات خود توصیه‌های متعددی به دولت کره شمالی در راستای پیشگیری از نقض‌های گسترده حقوق بشر ارائه کرده و واکنش جامعه جهانی را از طریق ظرفیت‌های مختلفی همچون پیگرد کیفری و اعمال تحریم خواستار شده است. اشاره به واکنش جامعه جهانی در پرتو مسئولیت حمایت تنها در برخی موارد دیده می‌شود؛ آموزه‌ای که نه صرفاً حس نیکوکاری بلکه یک تعهد را یادآوری می‌کند. به عنوان مثال در گزارش دوم ژوئیه ۲۰۲۱ گزارشگر ویژه، مسئولیت حمایت به عنوان چارچوبی مقبول برای مقابله با نقض‌های گسترده حقوق بشر و حقوق بشردوستانه تلقی شده است که دولت‌ها براساس آن اقداماتی جمعی تحت منشور ملل متحد انجام می‌دهند تا از جمعیت‌های غیرنظامی حمایت لازم را به عمل آورند (A/HRC/46/51, para.20). گزارش همچنین شورای امنیت را برای پیشگیری و واکنش نسبت به نقض‌های گسترده حقوق بشر دارای مسئولیت می‌داند (A/HRC/46/51, para.21). گزارشی دیگر در ۱۲ اکتبر ۲۰۲۳ تنها به یکی از قطعنامه‌های شورای امنیت درباره مسئولیت حمایت (درباره زنان در مخاصمات مسلحانه) اشاره می‌کند و توصیه مستقلی براساس مسئولیت حمایت ارائه نمی‌دهد (A/78/526, para.30). در سپتامبر سال ۲۰۲۴ آخرین گزارش گزارشگر ویژه درباره کره شمالی (تا زمان نگارش این مقاله) ارائه شد که توجه به مسئولیت حمایت در آن قابل ملاحظه است. گزارش مذکور، با تأکید بر شکست و ناکامی دولت کره شمالی در مسئولیت حمایت نسبت به مردم خود در برابر جنایت علیه بشریت، به مسئولیت حمایت ثانویه اشاره کرده و جامعه جهانی را صالح به پذیرش این مسئولیت می‌داند تا با اتخاذ اقداماتی در این خصوص گام بردارد. (A/79/235, para.41). گزارشگر در ادامه، با استناد به ماده ۴۱ «طرح مسئولیت بین‌المللی دولت برای اعمال متخلفانه بین‌المللی (۲۰۰۱)»^{۳۱}، خواهان همکاری بین‌المللی دولت‌ها جهت پایان بخشیدن به نقض‌های گسترده

31. Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001;

حقوق بشر و جنایت علیه بشریت توسط دولت کره شمالی می‌شود (A/79/235, para.42). طرح مسئولیت به یک کنوانسیون تبدیل نشده است اما بخش زیادی از آن عرفی است.^{۳۲} اشاره به این طرح، پس از استناد به مسئولیت حمایت، قابل تأمل به نظر می‌آید؛ گویی گزارشگر ویژه، مبنایی که تقریباً معادل با مسئولیت جامعه جهانی به حمایت از مردم در خطر است را بیان می‌کند تا به مسئولیت حمایت، وجهی حقوقی تر ببخشد.

شورای حقوق بشر با توجه به گزارش‌ها و اطلاعات مکتسبه، قطعنامه‌های مختلفی را در واکنش به وضعیت حقوق بشر در کره شمالی صادر کرده است، به گونه‌ای که نام این کشور هر سال در قطعنامه‌های مصوب شورا قابل ملاحظه می‌باشد. از سال ۲۰۱۷ به بعد، آموزه مسئولیت حمایت وارد قطعنامه‌های شورا درباره کره شمالی می‌شود و در تمام این قطعنامه‌ها مسئولیت ابتدایی دولت کره شمالی در حمایت از مردم و غیرنظامیان مورد اشاره بوده است.^{۳۳} در این قطعنامه‌ها عبارت «یادآوری مسئولیت دولت جمهوری دموکراتیک خلق کره به حمایت از مردم در برابر جنایت علیه بشریت» ذکر شده است؛ این قطعنامه‌ها به عبارت «تأکید مجدد بر مسئولیت دولت کره شمالی در تضمین بهره‌مندی مردم از حقوق بشر» نیز اشاره کرده است که در قطعنامه‌های پیش از ۲۰۱۷ هم ذکر می‌گردید. شورای حقوق بشر با توجه به ناکامی و شکست دولت کره شمالی، در قطعنامه‌های خود از ارکان ملل متحد درخواست کرده است تا به وضعیت جدی نقض حقوق بشر در کره شمالی پردازند و در این رابطه بر نقش شورای امنیت تأکید می‌کند. همچنین از دولت‌هایی که با کره شمالی رابطه نزدیک دارند، درخواست شده است تا کره شمالی به توقف نقض‌های فاحش حقوق بشر ترغیب شود (A/HRC/55/L.19, paras. 34-35; A/HRC/RES/52/28, paras.32-33; A/HRC/49/L.4, paras.31-32)؛ لازم به ذکر است شورا در باب جامعه جهانی و سایر دولت‌ها، به صراحت از وجود مسئولیت حمایت ثانویه برای ایشان حرف زده و صرفاً به ایشان اقدام برای توقف نقض حقوق بشر در کره شمالی توصیه شده است.

از سویی دیگر شورای حقوق بشر در قطعنامه‌ها از دولت‌هایی تقاضای ترغیب دولت کره شمالی به توقف نقض حقوق بشر را می‌کند که دارای رابطه با این دولت هستند و به نقش سایر دولت‌ها اشاره ندارد. به نظر می‌آید که شورای حقوق بشر یک رویکرد واقع‌گرایانه در این رابطه اتخاذ کرده است؛ در حقیقت کمک به مسئولیت حمایت ابتدایی یک دولت (رکن دوم این آموزه در گزارش سال ۲۰۰۹) به صورت عملی، توسط دولت‌هایی محقق می‌شود که با دولت حاکم روابط حسنه یا نزدیک دارند.

وضعیت نقض حقوق بشر در کره شمالی همچنان در سطح جنایت علیه بشریت می‌باشد و عدم تحقق مسئولیت حمایت ابتدایی این دولت قطعی به نظر می‌رسد از سویی دیگر تصمیمات شورای امنیت درباره کره شمالی، همواره متمرکز بر

ماده ۴۱ این طرح، تعهد دولت‌ها بر همکاری بین‌المللی در راستای پایان دادن به نقض‌های گسترده قواعد آمره از طریق روش‌های قانونی را بیان می‌کند.
 ۳۲. دیوان بین‌المللی دادگستری در برخی آرای خود از تعبیر «مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل بر مسئولیت بین‌المللی دولت ناشی از اعمال متخلفانه» نام برده است و از ذکر عنوان طرح اجتناب کرده است. برای نمونه ن. ک به: (ICJ, 2022, p.13)

۳۳. قطعنامه‌های مذکور بدین شرح است:

HRC. Situation of human rights in the Democratic People's Republic of Korea. (3 April 2017), A/HRC/RES/34/24.; HRC. Situation of human rights in the Democratic People's Republic of Korea. (9 April 2018), A/HRC/RES/37/28; HRC. Situation of human rights in the Democratic People's Republic of Korea. (3 April 2019), A/HRC/RES/40/20; HRC. Situation of human rights in the Democratic People's Republic of Korea. (29 June 2020), A/HRC/RES/43/25; HRC. Situation of human rights in the Democratic People's Republic of Korea. (30 March 2021), A/HRC/RES/46/17; HRC. Situation of human rights in the Democratic People's Republic of Korea. (24 March 2022), A/HRC/49/L.4; HRC. Situation of human rights in the Democratic People's Republic of Korea. (6 April 2023), A/HRC/RES/52/28; HRC. Situation of human rights in the Democratic People's Republic of Korea. (26 March 2024), A/HRC/55/L.19.

موضوع سلاح‌های هسته‌ای و آزمایش‌های هسته‌ای این کشور بوده است و به موضوع حقوق بشر و مسئولیت حمایت هیچ توجهی نشده است. بنا به حمایت سیاسی و اقتصادی چین و روسیه از کره شمالی، توصیه‌های گزارش‌های شورای حقوق بشر توسط شورای امنیت به اجرا درنیامده‌اند؛ چین به عنوان شریک تجاری اصلی کره شمالی و روسیه به عنوان حامی ژئوپلیتیکی، با استفاده از حق وتو، مانع از صدور قطعنامه‌های الزام‌آور تحت فصل هفتم منشور ملل متحد شده‌اند هرچند سایر دولت‌ها به صورت یکجانبه، اقداماتی همچون اعمال تحریم را پی گرفته‌اند.

مطالعه موردی کره شمالی نشان‌دهنده یک «تناقض هنجاری»^{۳۴} در عملکرد شورای حقوق بشر است؛ از یک سو، مستندسازی دقیق نقض‌های حقوق بشر و تأکید بر مسئولیت ابتدایی دولت، قدرت شورا را در ایجاد آگاهی جهانی نشان می‌دهد؛ از سوی دیگر، ناتوانی در تبدیل این مستندات به اقدامات عملی، به دلیل وابستگی به شورای امنیت و اراده جمعی دولت‌ها، یک شکاف ساختاری را آشکار می‌کند که فراتر از اراده سیاسی صرف است. این تناقض می‌تواند به عنوان یک فرصت نیز دیده شود. شورا می‌تواند با ایجاد یک «سازکار موازی پاسخگویی» (مانند ترغیب به اجرای اصل صلاحیت جهانی یا اعمال تحریم هماهنگ شده توسط دولت‌های داوطلب)، وابستگی خود به شورای امنیت را کاهش دهد. این اقدام در صورتی که شورای امنیت در انفعال به سر می‌برد، می‌تواند در حمایت از غیرنظامیان در برابر جنایات بین‌المللی مؤثر باشد.

۶. موانع و چالش‌های شورای حقوق بشر در به کارگیری مسئولیت حمایت

علی‌رغم کارکرد سازکارهای شورای حقوق بشر برای تحقق اهداف مسئولیت حمایت، به دلیل محدودیت‌های صلاحیتی شورا، رویکردهای سیاسی و گزینشی موجود در شورا و نظام بین‌الملل و برای نمونه با توجه به وضعیت کره شمالی، موانع و چالش‌های مختلفی در این رابطه وجود دارد.

دسته‌ای از این چالش‌ها حقوقی هستند که پیش از این از فحواي کلام قابل استنباط بود؛ اینکه شورای حقوق بشر یک رکن فرعی مجمع عمومی است و فاقد صلاحیت اتخاذ تدابیر الزام‌آور می‌باشد. تصمیمات شورای حقوق بشر ماهیت توصیه‌ای دارند و اجرای آن‌ها نیازمند اراده سیاسی دولت‌ها و همکاری سایر ارکان ملل متحد به ویژه شورای امنیت می‌باشد. در قضیه لیبی، یافته‌های کمیسیون تحقیق شورای حقوق بشر مطمح نظر قرار می‌گیرد و تصمیماتی همچون ارجاع وضعیت این کشور به دیوان کیفری بین‌المللی و در نهایت صدور مجوز توسل به زور گرفته می‌شود اما در مورد کره شمالی با وجود گزارشات مستند کمیسیون تحقیق و قطعنامه‌های شورای حقوق بشر، هیچ یک از این تدابیر از جانب شورای امنیت اتخاذ نشد. شورای امنیت با وجود حساسیت بر موضوع سلاح‌های هسته‌ای کره شمالی، در ارتباط با حمایت از مردم این کشور در برابر جنایت علیه بشریت، اقدام موثری انجام نداده و توصیه‌های شورای حقوق بشر عملی نشده است. وضعیت کره شمالی در این خصوص یادآور عدم اتخاذ تصمیم موثر در ارتباط با بحران سوریه می‌باشد. در نتیجه گزارش‌های گزارشگران ویژه و کمیسیون‌های تحقیق، هرچند از نظر اطلاعاتی معتبر و جامع هستند، اما در غیاب ضمانت اجرا اغلب به اسناد نمایشی مبدل می‌شوند. در پایان قسمت قبل گفته شد، شورا می‌تواند از سازکارهای موازی پاسخگویی بهره ببرد تا انفعال شورا جبران شود. با این حال فقدان پشتوانه قدرتمندی همچون قطعنامه‌های فصل هفتمی شورای امنیت، اثرگذاری چنین راهکارهایی را به حداقل می‌رساند.

بخشی دیگر از چالش‌ها غیر حقوقی هستند که اولین آن‌ها مربوط به رویکرد سیاسی و گزینشی شورا در مواجهه با بحران‌های انسانی است؛ همانطور که پیش‌تر اشاره شد، در مواردی نظیر میانمار و فلسطین و نوار غزه، شورا قطعنامه‌هایی با محتوای مسئولیت حمایت صادر نکرده است حال آنکه در ارتباط با کره شمالی، سوریه و کنگو فعال‌تر عمل کرده است. چنانچه دیدیم به عنوان نمونه کمیسیون‌های تحقیق میانمار و کره شمالی هر دو در گزارشات خود سابقه ارجاع به مسئولیت حمایت را دارند اما شورای حقوق بشر در مصوبات خود در استناد به مسئولیت حمایت، میان دو کشور رویکرد گزینشی دارد. این گزینشی بودن، اعتبار شورا را زیر سؤال می‌برد و آن را در معرض اتهام جانبداری سیاسی قرار می‌دهد همانطور که شورای امنیت در باب انفعال در به کارگیری مسئولیت حمایت بارها به جانبداری سیاسی متهم شد؛ این امر یادآور ضعف‌های کمیسیون حقوق بشر سابق می‌باشد. از آنجاییکه دولت‌های غربی روابط خصمانه‌ای با کره شمالی دارند، این مسئله می‌تواند شورای حقوق بشر را به سوءاستفاده از مسئولیت حمایت متهم کند چنانچه استفاده از مسئولیت حمایت در قضیه لیبی توسط شورای امنیت، این اتهام را متوجه این شورا کرد.

در لیبی برخلاف کره شمالی، یک مخاصمه مسلحانه در جریان بود که شورای امنیت با توجه به گزارشات مستند کمیسیون تحقیق شورای حقوق بشر، اقداماتی عملی در پیش گرفت؛ با نبود وتوی چین و روسیه از اقدام نظامی ممانعت نمی‌شود در حالیکه در بحران کره شمالی، سایه وتوی این دو کشور، مانع از اقدامات عملی است. مسئولیت حمایت، به عنوان یک هنجار در حال ظهور، با یک «تناقض ذاتی» مواجه است؛ ادعای جهانی بودن آن با واقعیت گزینشگری سیاسی در اجرا تضاد دارد. شورای حقوق بشر با گزینشگری در عمل این تناقض را تشدید می‌کند، زیرا به جای ایجاد یک چارچوب عینی برای اعمال مسئولیت حمایت، به ابزاری برای بازتاب اولویت‌های ژئوپلیتیکی مبدل می‌شود.

مقایسه تعداد قطعنامه‌های شورای حقوق بشر در اشاره به مسئولیت حمایت (۲۰۲۴-۲۰۰۸)

کشور/منطقه	تعداد قطعنامه‌ها	سال‌های صدور
کره شمالی	۸	۲۰۲۴-۲۰۱۷
لیبی	۲	۲۰۱۱
میانمار	۰	-
فلسطین و غزه	۰	-

منبع: Global Center for the Responsibility to Protect

چالش دیگر، ترکیبی از مسائل حقوقی و عمدتاً انگیزه‌های سیاسی است و مقصود، مقاومت دولت‌ها در برابر مسئولیت جامعه جهانی به بهانه اصل عدم مداخله می‌باشد. بسیاری از دولت‌ها از جمله دولت‌های در حال توسعه، مسئولیت حمایت را تهدیدی علیه اقتدار سرزمینی خود می‌دانند و به نظر می‌آید اعضای شورای حقوق بشر نیز به موضوع مقاومت دولت‌ها توجه دارند و از آنجاییکه ترکیب شورا از دولت‌های مختلفی همچون دولت‌های در حال توسعه شکل گرفته است، در قطعنامه‌های مصوب فراتر از مسئولیت حمایت ابتدایی دولت (که پایه حقوقی محکمی دارد) ذکر نمی‌شود و به دلیل مناقشات موجود، توصیه مستقیم به مسئولیت حمایت ثانویه نمی‌شود (همانند قطعنامه‌های کره شمالی). تکرار آموزه مسئولیت حمایت در قطعنامه‌ها می‌تواند به نهادینه شدن آن به عنوان یک هنجار عرفی منجر شود، اما مقاومت دولت‌ها این فرآیند را کند می‌کند و یا صرفاً به مسئولیت حمایت ابتدایی دولت محدود می‌کند.

در نهایت می‌بایست محدودیت منابع مالی و انسانی شورا را هم به عنوان چالش آخر لحاظ کرد. حجم گسترده وظایف شورا، از بررسی دوره‌ای جهانی تا تشکیل کمیسیون‌های تحقیق، نیازمند بودجه و نیروی انسانی کافی می‌باشد که در عمل با کمبودهایی مواجه است. این محدودیت‌ها می‌توانند توانایی شورا را برای نظارت مستمر و واکنش سریع به نقض‌های حقوق بشر کاهش دهند.

۷. نتیجه‌گیری

آموزه مسئولیت حمایت به عنوان یک چارچوب نوظهور در حقوق بین‌الملل، دولت‌ها و جامعه جهانی را به حمایت از غیرنظامیان در برابر جنایات بین‌المللی ملزم می‌کند. شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در کنار صدور قطعنامه، با سازکارهایی نظیر بررسی دوره‌ای جهانی، آئین‌های خاص و کمیسیون‌های تحقیق، نقشی کلیدی در اجرای این آموزه ایفا می‌کند. این شورا در اصل پیشگیری، از طریق نظارت و هشدار زودهنگام، در اصل واکنش، با ارائه اطلاعات موثق برای تصمیم‌گیری سایر دولت‌ها شورای امنیت و در اصل بازسازی، از طریق حمایت از عدالت انتقالی، کارکرد مؤثری دارد. از سویی دیگر شورای حقوق بشر با استناد به مسئولیت حمایت ابتدایی در قطعنامه‌های خود در تقویت این گفتمان که مسئولیت حمایت دولت نسبت به مردم خود در برابر جنایات بین‌المللی مؤلفه‌ای از حاکمیت دولت‌ها در سطح بین‌الملل است کمک می‌کند.

مطالعه موردی کره شمالی نشان می‌دهد که این شورا در برجسته کردن مسئولیت ابتدایی دولت، آگاهی‌بخشی جهانی و مستندسازی نقض‌های گسترده حقوق بشر نقش مؤثری دارد، اما ناتوانی در تبدیل این تلاش‌ها به اقدامات عملی کافی و متناسب در مواردی که بحران انسانی جدی در حال وقوع است، به دلیل محدودیت‌های صلاحیتی، انفعال شورای امنیت و فقدان اراده سیاسی واحد، یک تناقض هنجاری را آشکار می‌کند. از سویی دیگر وجود رویکردهای گزینشی قطعنامه‌های مصوب شورای حقوق بشر در استناد به مسئولیت حمایت، شورا را با اتهام سیاسی کاری مواجه می‌کند. این گزینش در ارتباط با وضعیت‌های میانمار و فلسطین و نوار غزه قابل ملاحظه است؛ به عنوان نمونه انفعال در برابر فجایع انسانی غزه و رویکرد فعال در مواجهه با کره شمالی، می‌تواند این ادعا را بسط بدهد که شورای حقوق بشر بازپیچ دست نئوامپریالیسم و قدرت‌های غربی است. با استمرار این وضعیت، مسئولیت حمایت در حد یک آرمان باقی خواهد ماند.

با وجود این، فرصت‌هایی نظیر تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و ایجاد سازکارهای موازی پاسخگویی در زمان انفعال شورای امنیت، می‌تواند حداقلی از این شکاف را پر کند و به حمایت از غیرنظامیان در فجایع انسانی کمک کند. شورای حقوق بشر باید در قطعنامه‌های خود برخورد واحدی با وضعیت‌های مختلف داشته باشد تا از اتهام سیاسی کاری مصون بماند؛ یک راه این است که شورا می‌تواند با ابداع یک شاخص جهانی نقض حقوق بشر (مشابه شاخص توسعه انسانی)، معیاری قابل اندازه‌گیری و مستقل از ملاحظات سیاسی برای شناسایی موارد نیازمند عملیاتی سازی مسئولیت حمایت ارائه دهد. این شاخص می‌تواند بر اساس داده‌های کمی (تعداد قربانیان، شدت نقض‌ها) و کیفی (نظام‌مند بودن جنایات) عمل کند و به شورا اجازه دهد تا از گزینشگری سیاسی فاصله بگیرد و مشروعیت خود را تقویت کند. نهاد مسئول اجرای این شاخص می‌تواند کمیساری عالی حقوق بشر باشد که با همکاری سازمان‌های غیردولتی (مانند عفو بین‌الملل) و گزارشگران ویژه، داده‌ها را جمع‌آوری و تحلیل کند. بودجه موردنیاز می‌تواند از طریق مشارکت داوطلبانه دولت‌ها و تخصیص منابع سازمان ملل تأمین شود. نمونه مشابه این شاخص، «شاخص جهانی صلح» است که توسط مؤسسه اقتصاد و صلح طراحی شده و معیاری عینی برای ارزیابی وضعیت صلح ارائه می‌دهد.

منابع و مآخذ

۱. بیگ‌زاده، ابراهیم (۱۴۰۱). *حقوق بین‌الملل*. (جلد ۲). چاپ اول. تهران: نشر میزان.
۲. ذاکریان، مهدی و بهروز مختاری (۱۳۹۳). تحلیل عملکرد شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در سازوکار رویه‌های ویژه بر افزایش احترام به حقوق بشر. *فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی* ۲(۶)، ۶۱-۸۲.
۳. ربانی بیدرونی، طاهره و افروغ، عبدالمحمد (۱۴۰۱). مأموریت‌های حقیقت‌یاب مستقل و راهکارهای نظارتی بررسی وضعیت‌های خاص حقوق بشر. *فصلنامه علمی حقوق و مطالعات نوین* ۳(۲)، ۱-۲۷.
۴. زمانی، سید قاسم (۱۳۸۵). نظارت جهانی بر اجرای حقوق بشر: از کمیسیون تا شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد. *پژوهش‌های حقوقی*، ۵(۹)، ۲۹۵-۳۱۴.
۵. زمانی، سید قاسم و اسفندیاری، مرضیه (۱۳۹۶). تعلیق اجرای قواعد بین‌المللی حقوق بشر در وضعیت‌های عمومی فوق‌العاده. *پژوهش‌های حقوقی*، ۱۶(۳۱)، ۷-۴۶.
۶. شکوری، عباس و عباس زاده فتح آبادی، مهدی (۱۴۰۱). بررسی عملکرد شورای حقوق بشر سازمان ملل در خصوص نقض حقوق بشر در بحرین. *دوفصلنامه علمی حقوق بشر و شهروندی*، ۷(۱)، ۲۹-۵۶.
۷. شیخی، محمدباقر (۱۳۸۹). نظری بر جایگاه "حقوق بشر" ملل متحد. *فصلنامه حقوق*، ۴۰(۱)، ۱۳۹-۱۵۷.
۸. غیابی، فرناز و رنجبریان، امیرحسین (۱۴۰۲). نقش و جایگاه گزارشگران ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد. *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۴۰(۷۰)، ۷۷-۱۰۶.
۹. فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۹۹). *سیر عقل در منظومه حقوق بین‌الملل*. چاپ دوم. تهران: نشر نو.
۱۰. هاشمی، سید محمد (۱۴۰۰). *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*. چاپ پنجم. تهران: نشر میزان.
۱۱. همت، مسعود و حبیبی اردکانی، احمدرضا (۱۳۹۶). تاثیر ویژگی‌های آیین ارزیابی ادواری شورای حقوق بشر بر ارتقای احترام به حقوق بشر توسط دولت‌ها. *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، ۱۰(۳۰)، ۱۶۹-۱۹۳.
۱۲. والاس، ربکا و الکا مارتین ارتگا (۱۳۹۹). *حقوق بین‌الملل*. ترجمه سید قاسم زمانی و مهناز بهراملو. چاپ هفتم. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
13. Contarino, M., Negrón-Gonzales, M., & Mason K.T. (2012). The International Criminal Court and Consolidation of the Responsibility to Protect as an International Norm. *Global Responsibility to Protect*, 4(3), 275-308.
14. Ercan, Pinar Gözen (2016). *Debating the Future of the 'Responsibility to Protect'*. 1nd. London: Palgrave Macmillan.
15. Gierycz, D. (2010). The Responsibility to Protect: A Legal and Rights-based Perspective. *Global Responsibility to Protect*, 2(3), 250-266.
16. Global Center for the Responsibility to Protect. UN Human Rights Council Resolutions Referencing R2P. Last Modified 5 April 2024. accessed 1 February 2025. <https://www.globalr2p.org/resources/un-human-rights-council-resolutions-referencing-r2p/>.
17. Harwood, C. E.M. (2019). Charting the Rise of UN Atrocity-Related Inquiry. in *The Roles and Functions of Atrocity-Related United Nations Commissions of Inquiry in the International Legal Order*. Leiden: Brill/Nijhoff, 22-56.
18. Henderson, S. (2021). Humanitarian Intervention and R2P. in *Rwanda Revisited*. Leiden: Brill/Nijhoff. 307-324.

19. Hofmann, G. P. (2023). The International Implementation of R2P: Norm Contestation and Its Consequences. in *Rethinking the Responsibility to Protect: Challenged or Confirmed?*. edited by. Alexander Reichwein & Mischa Hansel. Cham: Springer. 23-51.
20. HRC. Basic facts about the UPR". accessed 29 January 2025. <https://www.ohchr.org/en/hr-bodies/upr/basic-facts>.
21. HRC. Enhancement of international cooperation in the field of human rights. (12 April 2011), A/HRC/RES/16/22.
22. HRC. Human rights and transitional justice. (5 October 2016), A/HRC/RES/33/19.
23. HRC. Prevention of genocide. (28 February 2008), A/HRC/RES/7/25.
24. HRC. Protection of the human rights of civilians in armed conflict. (19 September 2008), A/HRC/9/L.21.
25. HRC. Report of Commission of Inquiry on Human Rights in the Democratic People's Republic of Korea. (7 February 2014), A/HRC/25/63.
26. HRC. Report of the detailed findings of the Independent International Fact-Finding Mission on Myanmar. (17 September 2018), A/HRC/39/CRP.2.
27. HRC. Report of the Special Rapporteur on the situation of human rights in the Democratic People's Republic of Korea. (2 July 2021), A/HRC/46/51.
28. HRC. Report of the Special Rapporteur on the situation of human rights in the Democratic People's Republic of Korea. (12 October 2023), A/78/526.
29. HRC. Report of the Special Rapporteur on the situation of human rights in the Democratic People's Republic of Korea. (13 September 2024), A/79/235.
30. HRC. Situation of human rights in the Democratic People's Republic of Korea. (9 April 2013), A/HRC/RES/22/13.
31. HRC. Situation of human rights in the Democratic People's Republic of Korea. (3 April 2017), A/HRC/RES/34/24.
32. HRC. Situation of human rights in the Democratic People's Republic of Korea. (9 April 2018), A/HRC/RES/37/28.
33. HRC. Situation of human rights in the Democratic People's Republic of Korea. (3 April 2019), A/HRC/RES/40/20.
34. HRC. Situation of human rights in the Democratic People's Republic of Korea. (29 June 2020), A/HRC/RES/43/25.
35. HRC. Situation of human rights in the Democratic People's Republic of Korea. (30 March 2021), A/HRC/RES/46/17.
36. HRC. Situation of human rights in the Democratic People's Republic of Korea. (24 March 2022), A/HRC/49/L.4.
37. HRC. Situation of human rights in the Democratic People's Republic of Korea. (6 April 2023), A/HRC/RES/52/28.
38. HRC. Situation of human rights in the Democratic People's Republic of Korea. (26 March 2024), A/HRC/55/L.19.
39. HRC. Universal Periodic Review - Democratic People's Republic of Korea. accessed on 3 February 2025, <https://www.ohchr.org/en/hr-bodies/upr/kp-index>
40. ICISS (2001). *The Responsibility to Protect*. Ottawa: International Development Research Centre.
41. ICJ (1970). *Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited (Belgium v Spain)*. (Judgment), Reports, 4.
42. ICJ (2007). *Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro)*. (Judgment), Reports, 94.
43. International Covenant on Civil and Political Rights (16 December 1966).

44. Kolb, A.S. (2018). *The UN Security Council Members' Responsibility to Protect*. Berlin: Springer Berlin.
45. Labonte, M. (2016). R2P's Status as a Norm. in *The Oxford Handbook of the Responsibility to Protect*. edited by. Alex J. Bellamy & Tim Dunne. Oxford: Oxford University Press. 133-150.
46. Lowe, V. & Antonios, T. (2011). Humanitarian Intervention", in: *Max Planck Encyclopedia of Public International Law*, eds. Anne Peters and Rüdiger Wolfrum, Oxford: University of Oxford, 2011, Available at <http://opil.ouplaw.com>.
47. Mazzesch, R. P. (2021). *International Human Rights Law*. Cham: Springer.
48. Nossel, S. & Broecker, Ch. L (2014). The High Commissioner for Human Rights and the UN Human Rights Council. in *The United Nations High Commissioner for Human Rights*. edited by. Felice D. Gaer & Christen L. Broecker. Leiden: Brill/Nijhoff. 219-244
49. Paris, R. (2016). The Blurry Boundary between Peacebuilding and R2P. in *The Oxford Handbook of the Responsibility to Protect*. edited by. Alex J. Bellamy & Tim Dunne. Oxford: Oxford University Press. 509-523.
50. Pramendorfer, E. (2020). The Role of the Human Rights Council in Implementing the Responsibility to Protect. *Global Responsibility to Protect*, 12(3), 239-245
51. Ramcharan, B. G. (2015). *The Law, Policy and Politics of the UN Human Rights Council*. Leiden: Brill/Nijhoff.
52. Ramcharan, B. G. (2019). Establishing a World Court against Gross Violations of Human Rights. in *Modernizing the UN Human Rights System*. Leiden: Brill/Nijhoff. 176-182.
53. Ramcharan, B. G. (2022). *The Protection Role and Jurisprudence of the United Nations Human Rights Council*. Leiden: Brill/Nijhoff.
54. Rim, Y. (2022). The Role of the International Criminal Court in Implementing the Responsibility to Protect", *Florida Journal of International Law*, 29. 69-98.
55. Secretary General. A vital and enduring commitment: implementing the responsibility to protect. (13 July 2015), A/69/981-S/2015/500.
56. Secretary General. Fulfilling our collective responsibility: international assistance and the responsibility to protect. (11 July 2014), A/68/947-S/2014/449.
57. Secretary-General. Implementing the responsibility to protect, (12 January 2009), A/63/677.
58. Seibert-Fohr, A. (2019). Transitional Justice in Post-Conflict Situations. in *Max Planck Encyclopedia of Public International Law*. edited by. Anne Peters and Rüdiger Wolfrum. Oxford: University of Oxford. <http://opil.ouplaw.com>.
59. Simonen, K. (2011). *The State versus the Individual*. Leiden: Brill/Nijhoff.
60. Tistoune, E. (2020). *The UN Human Rights Council: A Practical Anatomy*. Cheltenham: Edward Elgar Publishing.
61. UNGA. 2005 World Summit Outcome. (24 October 2005), A/RES/60/1.
62. UNSC. Imposes an arms embargo, a travel bans and an assets freeze in connection with the situation in the Libyan Arab Jamahiriya. (26 February 2011), S/RES/1970.
63. Van der Have, N. (2018) *The Prevention of Gross Human Rights Violations Under International Human Rights Law*. Hague: T.M.C. Asser Press.
64. Williams, A. (2015). Global governance and the Responsibility to Protect. in *Theorising the Responsibility to Protect*, edited by. Ramesh Thakur & William Maley. Cambridge: Cambridge University Press. 144-161.
65. Wyatt, S.J. (2021). *The Responsibility to Protect and a Cosmopolitan Approach to Human Protection*. Cham: Palgrave Macmillan Cham.

The Responsibility to Protect Doctrine in the Practice of the Human Rights Council: Legal Challenges with Emphasis on the Human Rights Crisis in North Korea

Abstract

The doctrine of the Responsibility to Protect (R2P), as an emerging norm in international law, obligates states to protect their populations from international crimes and mandates the global community to intervene when states fail or are unwilling to do so. This article, using a descriptive-analytical method and focusing on the case study of North Korea, examines the role of the United Nations Human Rights Council (HRC) in implementing this doctrine. The main question is how the HRC can operationalize R2P and what challenges it faces. Findings indicate that the HRC plays a significant role through early warning and monitoring (e.g., Universal Periodic Review) in prevention, providing accurate information (e.g., reports from commissions of inquiry) in response, and human rights monitoring in transitional justice during reconstruction. The HRC emphasizes primary responsibility in its resolutions, which can help norm consolidation. The North Korea case study highlights the HRC's ability to document widespread human rights violations and provide tailored recommendations. However, in severe humanitarian crises, recommendations often lack enforcement mechanisms and depend on the Security Council and states' willingness, limiting practical outcomes. The HRC's effectiveness is challenged by jurisdictional limits, the non-binding nature of resolutions, and political selectivity in R2P-related resolutions (e.g., Myanmar, Palestine, and Gaza). It is suggested that the HRC strengthen regional cooperation, parallel accountability mechanisms (e.g., promoting universal jurisdiction or targeted sanctions), and develop a global human rights violation index to reduce political selectivity, enhance legitimacy, and bridge implementation gaps.

Keywords

Human Rights Council (HRC), Human Rights, North Korea, Responsibility to Protect (R2P), Principle of Prevention, Principle of Reaction, Principle of Rebuilding.
